



University of Tehran Press

Construction and Utilization of Kamal Khan Dam by Afghanistan in the mirror of international law

Hoda Matouri¹ | Seyed Ghasem Zamani² | Mohsen Mohebi³

1. Ph.D. Student in (Public International Law), Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: hoda.matori@yahoo.com
2. Corresponding Author; Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: drghzamani@gmail.com
3. Associate Prof. Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sd.mohebi@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Pages: 1-24 Received: 2021/11/15 Received in Revised form: 2022/01/01 Accepted: 2022/04/18 Published online: ----- Keywords: <i>International waterways, Reasonable and Equitable Principle, water facilities, Kamal Khan dam, No-harm Principle.</i>	Kamal Khan Dam is one of Afghanistan's water facilities on the Helmand River, which has Common water basin with Iran. This water project has had many biological consequences for the Sistan and Hamun region. This study examines the compliance of the international legal system for the utilization and protection of waterways regarding the Kamal Khan Dam in Iran-Afghanistan relations. The purpose of this study is to investigate the conformity or non-conformity of construction and utilization of Kamal Khan Dam with the international legal system of utilization and protection of waterways, And it answers the question of what is the status of the principles and rules of international law of joint waterways in the implementation of the Kamal Khan Dam project? This conclusion was reached by analyzing the treaties, customs, principles and opinions of international courts, That the construction of a dam in Afghanistan is contrary to the general principles of international law, Reasonable and Equitable Principle and No-harm Principle. Also, according to the agreement between Iran and Afghanistan Helmand-River Water Treaty 1351, Afghanistan agrees that it shall take no action to deprive Iran totally or partially of its water right to the water of the Helmand. Therefore, misuse and violation of the principles and rules of international law, including unsustainable use of international waterways, in addition to destroying the environment of Sistan, will threaten international peace and security.
How To Cite	Matouri, Hoda; Zamani, Seyed Ghasem; Mohebi, Mohsen (2024). Construction and Utilization of Kamal Khan Dam by Afghanistan in the mirror of international law. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-24. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.333987.2937
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.333987.2937
Publisher	The University of Tehran Press.





احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان توسط دولت افغانستان از منظر حقوق بین‌الملل

هدی مطوری^۱ | سید قاسم زمانی^۲ | محسن محبی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: hoda.matori@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول؛ استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: drghzamani@gmail.com
۳. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: sd.mohebi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۴-۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹ تاریخ انتشار برخط: کلیدواژه‌ها: آبراه‌های بین‌المللی، اصل استفاده منصفانه و معقول، تأسیسات آبی، سد کمال خان، منع آسیب مهم فرامرزی.	سد کمال‌خان از جمله تأسیسات آبی افغانستان بر رودخانه هیرمند است که دارای حوضه آبراهی مشترک با ایران است. این پروژه آبی تبعات زیستی بسیاری برای منطقه سیستان و هامون در پی داشته است. هدف این پژوهش بررسی مطابقت یا عدم مطابقت نظام حقوق بین‌المللی بهره‌برداری و حفاظت از آبراه‌ها در خصوص احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که وضعیت اصول و قواعد حقوق بین‌الملل آبراه‌های مشترک در اجرای پروژه سد کمال‌خان چگونه است؟ با تحلیل معاهدات، عرف، اصول و آراء دادگاه‌های بین‌المللی این نتیجه حاصل شد که سدسازی افغانستان، مغایر با اصول عام حقوق بین‌الملل مانند اصل استفاده منصفانه و معقول و منع آسیب مهم فرامرزی است. همچنین مطابق معاهده میان ایران و افغانستان در زمینه آب رودخانه هیرمند ۱۳۵۱ نیز کشور افغانستان تعهد کرده است، هرگونه اقدامی که به حقابه ایران خلی به‌صورت جزئی یا کلی وارد کند، انجام ندهد. ازاین‌رو بهره‌برداری غلط و خلاف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله بهره‌برداری ناپایدار از آبراه‌های بین‌المللی علاوه بر تخریب محیط زیست سیستان موجب تهدید و برهم زدن صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد.
استناد	مطوری، هدی؛ زمانی، سید قاسم؛ محبی، محسن (۱۴۰۳). احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان توسط دولت افغانستان از منظر حقوق بین‌الملل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، — (—)، ۱-۲۴.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.333987.2937
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

ایران و افغانستان که در ناحیه خشک و نیمه خشک کره زمین قرار دارند، در چند حوضه آبی مشترک‌اند. با توجه به کمبود منابع آبی گسترده، این حوضه‌های آبی می‌توانند عامل نزاع یا همکاری بالقوه‌ای باشند. یکی از این آبراه‌های مشترک، رودخانه هیرمند است که از استان هلمند افغانستان تا دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان به طول ۱۱۰۰ کیلومتر جریان دارد و از بند کهک در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی زابل، وارد خاک ایران می‌شود (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۲) که از نوع رودخانه متوالی یا پیایی و میان این دو کشور مشترک است.

این رودخانه از سال ۱۸۵۷ تاکنون یکی از موضوعات مورد مناقشه ایران و افغانستان بوده است. اقدامات افغانستان بر این رودخانه و خشکسالی سبب کاهش حقابه ایران و آسیب‌های زیست‌محیطی به تالاب‌ها و منطقه سیستان شده است. این اقدامات شامل احداث کانال‌ها و سدهای متعدد تحت عنوان پروژه هلمند بوده است، که طی یک دوره ۳۰ ساله بر سرشاخه‌های اصلی هیرمند ساخته و بهره‌برداری شده است. کانال سراج، نادعلی، بقرا، مارجا و شارمالان و سد گرشک، کجکی، ارغنداب و... از جمله این اقدامات هستند.

در آخرین اقدام، افغانستان در حالی در سال ۱۴۰۰ از سد کمال‌خان بر رودخانه هیرمند بهره‌برداری کرد که در آینده نه‌چندان دور این اقدام آسیب‌های جدی به ایالت‌های پایین‌دست افغانستان که هم‌مرز ایران هستند، وارد می‌کند.

با توجه به احداث و بهره‌برداری از تأسیسات آبی متعدد بر بالادست رودخانه هیرمند، نیازهای آبی منطقه سیستان و هامون، در معرض خطر قرار گرفته است. عمده نیازهای آبی استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی و حیات دریاچه هامون به جریان رود هیرمند وابسته است. این قبیل اقدامات روی رودخانه‌های مرزی و مشترک علاوه بر اینکه سطح آب ورودی به تالاب‌های هامون را به مقدار زیادی کاهش داده، تهدید امنیت آبی و غذایی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، از نتایج آن است و به نقض صلح و امنیت بین‌المللی منجر شده است.

افغانستان بر خلاف معاهدات بین‌المللی چندجانبه و دوجانبه مبادرت به احداث سدهای غیرقانونی کرده و از تحویل حقابه‌های ایران خودداری ورزیده است. بر اساس اسناد، اصول و قواعد بین‌المللی آبراه‌ها هیچ کشوری حق ندارد بر رودخانه‌های مشترک، خودسرانه دخل و تصرف کند، مگر اینکه اجازه کشور پایین‌دست را حاصل کند.

این پژوهش در سه بند تدوین یافته است؛ در بند نخست، پروژه ساخت و بهره‌برداری از سد کمال‌خان توسط دولت افغانستان بر رودخانه هیرمند و پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از آن تبیین شده

است. در بند دوم نظام حقوقی حاکم بر بهره‌برداری و حفاظت از رودخانه هیرمند با بررسی نظریه‌های حقوقی، معاهده در خصوص رودخانه هیرمند و رویه دو کشور تحلیل شده و در بند آخر الزامات حقوق بین‌الملل حاکم بر احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان از جمله بهره‌برداری معقول و منصفانه در حوزه سدسازی، استفاده غیرزیانبار از رودخانه مشترک، عدم انحراف روهای مشترک و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی بررسی و تبیین شده است.

۲. کلیات پروژه ساخت و بهره‌برداری از سد کمال‌خان توسط دولت افغانستان

۲.۱. احداث سد کمال‌خان روی رودخانه هیرمند

سد کال‌خان یکی از پروژه‌های مهم کنترل آب در افغانستان است که در ۹۵ کیلومتری جنوب شهر زرنج، در ولسوالی (چهاربرجک) استان نیمروز در غرب افغانستان، هم‌مرز با ایران روی رودخانه هیرمند احداث شده است. بر اساس اطلاعات وزارت انرژی و آب افغانستان، برای اولین بار کار ساخت سد کمال‌خان در سال ۱۳۴۵ شمسی (۱۹۷۴ میلادی) آغاز شد که به دلایل مختلف از جمله جنگ‌های داخلی و تحولات سیاسی، کارش به پایان نرسید. ادامه ساخت این سد در سال ۱۳۹۰ شمسی (۲۰۱۱ م) رسماً آغاز و در فروردین ۱۴۰۰ (۲۴ مارس ۲۰۲۱) توسط محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور وقت افغانستان افتتاح شد، مقامات افغانستان هدف از ساخت آن را کنترل آب‌های شیرین و آب‌های موسمی (سیلاب) در افغانستان عنوان کردند. این سد می‌تواند بیش از ۸۰ هزار هکتار اراضی زراعی را آبیاری و بیش از ۹ مگاوات انرژی برق تولید کند. سد کمال‌خان بیشتر در ساحل دشت قرار دارد و دارای شیب کمی است. ارتفاع این سد ۱۶ متر و ظرفیت ذخیره آب آن ۵۲ میلیون متر مکعب است (Khan Saif, 2021:1). این مسئله به شدت بر کاهش منابع آبی ایران و خشکسالی سیستان و هامون اثر خواهد گذاشت. با وجود این می‌توان تصور کرد که فرصت‌های داخلی احیای تالاب هامون به کلی از دست رفته است و حالا با وجود این سد باید افغانستان نیز برای احیای این تالاب مشارکت جدی از خود نشان دهد.

ایران و افغانستان در کمربند خشک کره زمین قرار دارند و در این کمربند نزولات آسمانی در حداقل ممکن و در حداکثر نوسان و ناپایداری قرار دارند که خارج از اراده و مدیریت انسانی است. برخی صاحب‌نظران محیط زیست سال‌های بدتری را به لحاظ نزولات آسمانی برای کمربند خشک کره زمین پیش‌بینی می‌کنند و بر این باورند که هرگونه مدیریت نادرست آب در رودخانه‌های مشترک بین دو یا چند کشور بالادست و پایین‌دست می‌تواند به جنگ بر سر منابع آبی منتهی شود.

رودخانه هیرمند، دهمین رودخانه بزرگ آسیا و مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده آب تالاب هامون و منشأ حیاتی سیستان است. این رودخانه از ارتفاعات هندوکش در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی

مسافتی حدود ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه یا تالاب‌های هامون می‌ریزد. حوضه رود هیرمند با مساحتی حدود ۳۱۰ کیلومتر مربع در سه کشور افغانستان (۸۲ درصد)، ایران (۱۵ درصد) و پاکستان (۳ درصد) گسترده شده و ۱۴ استان در کشور افغانستان و دو استان سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی در ایران را در بر گرفته است. طول رودخانه هیرمند بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر و آورد کل رودخانه‌های حوضه هیرمند ۳/۹ میلیارد متر مکعب بوده است که رودخانه‌هایی همچون خاشرود، خس پاس و فراه‌رود در خاک افغانستان به حجم آب هیرمند می‌افزوند، اما امروزه به دلیل اقدامات غیراصولی افغانستان و خشکسالی، خشک شده‌اند (بدیعی ازندهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۷). همان‌گونه که ملاحظه شد حوضه آبی هیرمند بسیار وسیع و گسترده است.

حوضه آبی هیرمند متشکل از سه بخش دشت سیستان، دریاچه هامون و گود زره است؛ دشت سیستان، دریاچه هامون در قلمرو هر دو کشور ایران و افغانستان واقع شده‌اند و گود زره در خاک افغانستان قرار دارد (فرشاسعید و خدارحمی، ۱۳۹۵: ۳). حیات دشت سیستان و دریاچه هامون تأثیر بسزایی در زیست منطقه و ساکنان آنجا دارد و جمعیت زیادی را در خود جای داده است.

حدود ۹۶ درصد منابع آب سطحی در حوضه هیرمند از افغانستان سرچشمه می‌گیرد که تخمین زده شده است معادل ۵۹۳۵ میلیون متر مکعب آب وارد حوضه هیرمند می‌شود. با توجه به ماهیت و یکپارچگی اکوسیستم منطقه، این میزان آب به‌طور کامل استفاده می‌شود، چه برای مصارف خانگی، شهری، صنعتی، آبیاری و چه برای حفاظت از تالاب‌های آب شیرین. تالاب‌های به‌هم‌پیوسته که تالاب هامون را تشکیل می‌دهند، مصرف‌کنندگان اصلی آب در دلتای هیرمند هستند که حدود ۷۵ درصد تقاضا برای کل اکوسیستم را تشکیل می‌دهند (Vincent et al., 2016: 42). جریان آب رودخانه هیرمند که تنها منبع عمده تأمین آب سیستان و هامون است، به‌منزله جریان حیات اجتماعی - اقتصادی آن است و هرگونه کاهش در میزان آب ورودی آن به ایران، حیات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۸). ازاین‌رو توجه به حقابه تالاب هامون از رودخانه هیرمند از اهمیت بسزایی برخوردار است.

افغانستان با احداث سدها و کانال‌های متعدد در ولایات هیرمند، نیمروز و قندهار در کاهش سطح آب تالاب هامون نقش داشته و تالاب به‌همراه پرندگان و ماهیانی که ساکنان محلی برای امرار معاش خود به آنها وابسته بودند، ناپدید شده‌اند. وقتی طالبان دریاچه‌های سد کجکی را در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ در بدترین دوره خشکسالی به روی ایران مسدود کرد، اوضاع وخیم‌تر شد (AMAN, 2016: 4)، هامون خشکید و به سه برکه تبدیل شد. تحولات اخیر این کشور نیز سایه ابهامات احیای هامون و رهاسازی حقابه هیرمند را بیشتر کرده است.

با توجه به جغرافیای طبیعی و انسانی منحصربه‌فرد دلتای هیرمند، سد کمال‌خان توأمان هم فرصت است و هم تهدید. سد کمال‌خان فرصت‌ساز است مشروط بر آنکه، مدیریت آب حوضه هیرمند مطابق ذات

جغرافیای طبیعی و انسانی آن و فارغ از نگاه سیاسی جداکننده، یکپارچه نگریسته شود و در نگرشی همکاری‌جویانه دو کشور و با درک الزامات و نیازهای آبی یکدیگر، وارد تعامل سازنده شوند. هیرمند با سال‌های تر و خشک، بیگانه نیست، باید همکاری در مدیریت آب آن به گونه‌ای سازماندهی شود که در هر شرایط طبیعی نیازهای هر دو بخش سیستان و هامون لحاظ شود. همچنین ولایت نیمروز که سد کمال‌خان در محدوده جغرافیای آن واقع شده است، نزدیک‌ترین ولایت افغانستان به بندر چابهار است که پروژه‌های ارتباطی آن در قالب بزرگراه و خط ریلی در حال احداث است و می‌تواند از طریق پل میلک روی رودخانه هیرمند، افغانستان و آسیای مرکزی محصور در خشکی را به بندر چابهار متصل کند و دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، تسهیل‌کننده تجارت خارجی صادرات و واردات افغانستان و آسیای مرکزی را امکان‌پذیر سازد. اما در همان حال سد کمال‌خان تهدیدزا خواهد بود اگر گرفتار شکاف‌های احتمالی سیاسی شود و از ذات طبیعت یکپارچه‌ساز خود فاصله بگیرد. واقعیت این است که سیستان و هامون از ظرفیت جداانگاری مرزهای سیاسی برخوردار نیست. هرگونه توزیع نامتعادل آب و مدیریت بخشی‌نگر در حوضه آبی هیرمند می‌تواند برای کل سیستان و بالاتر از آن استان‌های همجوار از قندهار در شرق و هرات در غرب حوضه آبی هیرمند در افغانستان گرفته تا استان‌های سیستان و بلوچستان و استان‌های همجوار نظیر خراسان جنوبی و خراسان رضوی و کرمان را تحت تأثیر واکنش طبیعی هامون سیستان در قالب ریزگردها و شن‌های روان بادهای ۱۲۰ روزه سیستان قرار دهد و حیات ساکنان این محدوده بزرگ جغرافیایی را مختل کند (Mollazehi, 2021: 1). بادهای موسمی ۱۲۰ روزه که توفان‌های شن به‌همراه دارد، روستاهای بی‌شماری را مدفون کرده و بر زندگی هزاران نفر اثر داشته است.

حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی اولویت این کشورهاست. آگاهی عمومی برای یک سیاست زیست‌محیطی موفق ضروری است، بنابراین ایران و افغانستان باید بدانند که تأثیرات زیست‌محیطی هر پروژه اقتصادی محدود به یک کشور نخواهد بود. بی‌توجهی اقتصادی و استفاده بی‌رویه از آب، به‌ویژه آب‌های مشترک، می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند. ایران باید آبیاری و محصولات کشاورزی خود را با سهم خود از آب تطبیق دهد (AMAN, 2016: 10)، در نتیجه حفاظت از محیط زیست حوضه هیرمند ناظر بر تعهدات زیست‌محیطی دو کشور ایران و افغانستان در این حوضه آبریز است.

۲.۲. پیامدهای ناشی از بهره‌برداری از سد کمال‌خان

پیوستگی تاریخی و فرهنگی دو کشور ایران و افغانستان هرگز به یکباره گسسته نمی‌شود و دوام آن به مراتب بیش از پیوستگی سیاسی دو کشور است، اما جدایی هرات از ایران و انعقاد معاهده پاریس میان ایران و انگلستان در سال ۱۸۷۵ میلادی سبب شکل‌گیری تعاملات درهم‌تنیده‌ای میان دو کشور بر سر

بهره‌برداری از این رودخانه شده است. معاهده پاریس سبب شد که اهمیت رودخانه هیرمند از یک رودخانه داخلی به یک رودخانه بین‌المللی تغییر یابد. این تغییر، افغانستان را در موقعیت بالادست منابع مشترک حوضه آبریز هیرمند قرار داد. این حوضه حدود ۴۰ درصد از مساحت افغانستان را در بر گرفته است و حدود ۳۴ درصد از جمعیت این کشور در آن زندگی می‌کنند و بیشترین مساحت زمین‌های کشت آبی و مراتع افغانستان در حوضه آبریز هیرمند قرار گرفته است. برآوردهای مختلف نشان می‌دهد که افغانستان بین ۳۸ تا ۵۷ درصد از آب موجود در مرز خود را استفاده کرده است. در صورتی که این میزان استفاده در محدوده یکسان ۴۱ تا ۶۰ درصد از کل آب در دسترس است (Vincent et al., 2016: 41). علاوه بر این افغانستان طی سالیان متعدد مبادرت به احداث کانال، سدسازی و انحراف آب رودخانه‌های هیرمند کرده که از عوامل اصلی کاهش حقابه ایران از رودخانه هیرمند است. این دولت تاکنون ۱۹ سد و ۳۴ بند انحرافی در حوضه آبریز هیرمند و در بالادست تالاب‌های هامون احداث و بهره‌برداری کرده است، همچنین برنامه ساخت ۳۵ سد دیگر را در دست مطالعه و بررسی دارد.

رودخانه هیرمند به‌عنوان منبع مهم تأمین‌کننده آب سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، شاه‌رگ حیاتی این استان‌ها محسوب می‌شود و وابستگی زیادی به جریان آب این رودخانه‌ها دارد. عدم رعایت اصول و قواعد حقوقی مربوط به احداث و بهره‌برداری از سدهای افغانستان پیامدهای بسیاری از جمله پیامدهای زیست‌محیطی، تغییر اقلیم، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی برای استان‌های جنوب شرق ایران و افغانستان در پی دارد.

اصلی‌ترین کارکرد اقتصادی آبراه‌های بین‌المللی آبیاری، تولید نیروی برق، حق کشتیرانی و صید است. علاوه بر این موارد کشاورزی، زهکشی، تخلیه فصولات کشاورزی، صنایع شیلات و ماهیگیری، تولید انرژی، صنایع ساختمانی، حمل‌ونقل الوار، تخلیه فصولات صنعتی، استفاده برای صنایع معدنی، مصارف خانگی (شرب، شست‌وشو و ...) را می‌توان در زمره بهره‌برداری‌هایی آورد که در برخی قراردادهای ذکر شده‌اند (محمدعلی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۵). رودخانه هیرمند نیز علاوه بر آبیاری زمین‌های کشاورزی و مصرف آب شرب مردم آن منطقه، منبع تأمین‌کننده آب هامون است که تالاب هامون هم کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بسیاری دارد.

موضوع بهره‌برداری روزافزون افغانستان از هیرمند در سال‌های اخیر به فاجعه زیست‌محیطی در استان سیستان و بلوچستان منجر شده است. ۱۵۰ هزار هکتار از زمین‌های سیستان، بیش از خشکسالی با استفاده از جریان هیرمند و همچنین پرآبی هامون و آبراهه‌های مختلف کشت می‌شده است. از سوی دیگر این تالاب موجب تلطیف هوا در دوران وزش بادهای موسمی ۱۲۰ روزه سیستان می‌شد و از ایجاد گردوغبار جلوگیری می‌کرد.

رژیم رودخانه‌هایی که به دریاچه هامون می‌ریزد نامنظم است و همین سبب نوسان‌های بسیار در میزان و گستره پوشش آب دریاچه در طول سال‌های متمادی شده است. در عین حال هامون بزرگ‌ترین دریاچه

آب شیرین در فلات ایران است. این تالاب در گذشته بزرگ‌تر بوده و در سال‌های اخیر روزبه‌روز از حجم و دامنه آن کاسته شده، به‌گونه‌ای که از لحاظ اقتصادی بر همه چیز در محیط پیرامون خود اثر گذاشته است. دریاچه یا تالاب هامون نقشی مستقیم در تنظیم اکوسیستم منطقه دارد و در گسترش چراگاه‌ها و پی آن توسعه دامداری، رونق کشاورزی، ماهیگیری و صنایع جانبی وابسته به این بخش‌ها، اثرگذار باشد. باید توجه کرد که کاهش حجم آن مشکلات مهمی در این زمینه ایجاد کرده و سبب شده است که تالاب بین‌المللی هامون به چهار برکه جدا از هم تبدیل شود.

تالاب هامون در شرایط عادی، با دارا بودن آب شیرین، سالانه پذیرای ۱۹۰ گونه پرنده مهاجر و بومی بود، اما امروزه کاهش فراوان پرندگان بومی و غیربومی و در معرض انقراض قرار گرفتن گاو اصیل سیستان را می‌توان از جمله تهدیدهای ناشی از کاهش چشمگیر آب هیرمند قلمداد کرد. با تغییرات ایجادشده در وضعیت جوی، ایجاد سدها و بندهای مختلف در مسیر این رودخانه، توسعه اراضی زیر کشت خشک‌خاش در افغانستان و بستن دریچه‌های سد کجکی در حدود ۸۰۰ کیلومتری مرز ایران در ولایت هلمند، مسیر طبیعی آب مسدود و پدیده خشکسالی بر مناطق پایین‌دست این رودخانه در افغانستان و ایران غالب شده است. خشکسالی منطقه سبب تغییر اقلیم وسیعی در منطقه سیستان شده و زندگی مردم این منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. پس از حدود ۲۰ سال خشکسالی در منطقه سیستان هم‌اینک تغییر اقلیم در این منطقه رخ داده است.

۳. نظام حقوقی حاکم بر بهره‌برداری و حفاظت از رودخانه هیرمند

۳.۱. نظریه‌های حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از رودخانه هیرمند

در حقوق بین‌الملل چهار نظریه در خصوص بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی مطرح شده است، از جمله نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق، نظریه تمامیت سرزمینی مطلق، نظریه حاکمیت و یا تمامیت سرزمینی محدود و نظریه منابع یا مدیریت مشترک.

نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق: به موجب این نظریه که به دکتترین هارمون معروف است، آن بخش از رودخانه مشترک که در سرزمین دو کشور جریان دارد، همانند آب‌های داخلی تلقی می‌شود و دولت مذکور می‌تواند آزادانه جریان آب را منحرف سازد، قطع کند و یا به هر صورت که ضروری بداند، بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن، در آن دخل و تصرف کند. این نظریه مورد پذیرش دولت‌های بالادست رودخانه بوده است، به عبارت دیگر این‌گونه دولت‌ها حق برای دیگر دولت‌ها در مورد استفاده از رودهای بین‌المللی که از کشور دیگری جریان می‌یابد، قائل نیستند.

نظریه تمامیت سرزمینی مطلق: به موجب نظریه تمامیت سرزمینی مطلق، کشورهای ساحلی رودخانه‌ها نمی‌توانند تغییرات جدی در وضع طبیعی رودخانه ایجاد کنند، به‌طوری‌که سبب تغییرات و تأثیرات منفی مهمی در سایر کشورها شود، زیرا این تغییرات بر تمامیت ارضی کشورهای پایین‌دست اثر خواهد گذاشت. در چارچوب این نظریه، کشورهای پایین‌دست، حق تقاضای جریان طبیعی آب از لحاظ سرعت و کیفیت را از کشورهای بالادست دارند (عباسی، ۱۳۹۴: ۸). این نظریه در تضاد کامل با نظریه هارمون است، چراکه نیازمند توافق قبلی کشورهای پایین‌دست برای هرگونه تغییر در رژیم آبراهه بین‌المللی است

نظریه حاکمیت و یا تمامیت سرزمینی محدود^۱: این نظریه در جهت متعادل ساختن دو نظریه مذکور به‌وجود آمد که به موجب آن هر کشور ساحلی، حق بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خود را دارد، به‌شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نشود. در این مورد حاکمیت بر منابع مشترک آب نسبی و مشروط است (مشهدی و اکبری، ۱۳۹۹: ۳۱۷). سرزمینی که در پایین‌دست رودخانه قرار دارد، نسبت به تقاضای ادامه جریان طبیعی آب که از بالادست سرازیر می‌شود، حق بهره‌برداری دارد، اما همین دولت پایین‌دست باز نمی‌تواند در قسمتی از آبراه که در قلمروش قرار دارد، نسبت به جریان طبیعی آب که به سرزمین‌های پایین‌دست دیگر ادامه پیدا می‌کند، محدودیتی ایجاد یا خسارت جدی وارد کند. در نتیجه حاکمیت سرزمینی دولت‌ها نسبت به آبراه‌های بین‌المللی که از چند دولت می‌گذرد، محدود خواهد بود و این محدودیت همان عدم ایراد خسارت به آبراه است و همه دولت‌هایی که آبراه مشترکی دارند، وظیفه دارند به آبراه مشترک آسیب جدی وارد نکنند.

نظریه منابع یا مدیریت مشترک: این نظریه نه تنها به‌عنوان رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شد، بلکه وسیله‌ای برای احیای مجدد اصل حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی شد و تکلیف صریحی بر مشارکت فعال در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرد. این اصل بر این ایده استوار است که آبراه‌های بین‌المللی، منابع مشترکی‌اند که موجب اجتماع منافع مشترک بین تمام دول ساحلی می‌شوند. وجود اجتماع منافع مشترک نیازمند تعادل معقول و منصفانه منافع دولت است که پاسخگوی نیازها و استفاده هریک از آنهاست (عباسی، ۱۳۹۴: ۲۸). از این رو در مدیریت آب باید به سمت تأمین حداکثر منافع جمعی پیش برویم.

در خصوص نظریه حاکم بر رودخانه هیرمند می‌توان گفت مادامی که دو کشور در قالب یک واحد سرزمینی بودند، هیچ دعوای سیاسی-حقوقی در زمینه بهره‌برداری از رودخانه هیرمند وجود نداشت و

1. Theory of limited territorial integrity or sovereignty

تمامی نزاع‌های حقوقی و سیاسی مدتی پس از جدایی افغانستان از ایران به وجود آمد. نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق همواره مدنظر رهبران این کشور بوده است. به گونه‌ای که رهبران سیاسی افغانستان رودخانه هیرمند را داخلی فرض کرده‌اند؛ هرگونه بهره‌برداری از آب آن را حق انحصاری خود می‌دانند و نسبت به حقوق مردمان پایین‌دست بی‌توجه بوده‌اند. با وجود قرارداد ۱۹۷۳ تأکید اصل محدودیت استفاده آزاد از آب‌ها که دولت‌های بالادستی نباید عملی را انجام دهند که کشور پایین‌دستی از آن عمل متضرر شود، اصل عدم خسارت به دیگری به نحوی در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده که فراهم کردن مقدمات و ایجاد زیرساخت‌ها به منظور اجرای عمل در چارچوب اصل حاکمیت سرزمینی مطلق هم، تقبیح و محکوم شده است (موسی‌زاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۵). با توجه به نظرهای مطرح‌شده در حقوق بین‌الملل، حاکمیت دولت‌ها مطلق نیست و دامنه کاربرد آن محدود به شرایط خاصی است که در بسیاری از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله قضیه گابچیکو ناگیماروش، به آنها اشاره شده است. از این رو یک کشور ساحلی حق احداث سد بر آبراه مشترک را خواهد داشت، اما چنین حقی محدود است و دولت باید به سایر تعهدات بین‌المللی پایبند باشد. علاوه بر این به دلیل وابستگی منحصر به فرد انسان‌ها به آب، همواره جدا از سایر منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفته است. در مجموع، دولت‌ها حق استفاده از جریان آب مشترک را خواهند داشت، اما این استفاده باید با تعهدات بین‌المللی مطابقت داشته باشد (Nagheeb et al., 2019: 259). بنابراین دولت افغانستان در حاکمیت بر رودخانه هیرمند تابع نظریه تمامیت محدود سرزمینی‌اند که در حیطه حقوق بین‌الملل کاملاً پذیرفته شده است. این دیدگاه مبتنی بر این فرض است که دولت افغانستان حق استفاده و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خودش را دارد؛ به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی کشور ایران نشود. همه دول همجوار این رودخانه نسبت به بهره‌برداری از آب آن تکالیف و حقوق متقابلی دارند. بدین ترتیب اعمال متوازن حقوق و تکالیف همه دول، بهره‌برداری معقول و منصفانه را در بردارد، در نتیجه حاکمیت بر منابع هیرمند، نسبی و مشروط است.

۳. تعهدات دوجانبه و رژیم حقوقی حاکم بر رودخانه هیرمند بر مبنای معاهده ۱۳۵۱

تاریخچه تعاملات و مناسبات آبی و سیاسی ایران و افغانستان در بازه زمانی ۱۵۰ ساله (۱۲۴۹ تا ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که اختلاف بر سر استفاده از آب رودخانه هیرمند بین ایران و افغانستان از زمان شکل‌گیری مرزهای شرقی طی توافقنامه پاریس و حکمیت گلداسمیت آغاز شد و از سال ۱۲۸۹ افغانستان شروع به احداث سد و کانال‌های متعدد کرد که به شدت میزان حقابه ایران را کاهش داد. سال‌ها بعد به دلیل شدت اختلافات بر سر حقابه ایران، قراردادهای مختلفی از جمله قرارداد ۱۳۰۹، پیمان سعدآباد ۱۳۱۵، قرارداد

تقسیم آب هیرمند ۱۳۱۷، کمیسیون ۱۳۳۹ و... تشکیل شد، ولی نتیجه‌ای حاصل نشد و در نهایت در سال ۱۳۵۱ معاهده هیرمند منعقد شد که به موجب آن تعیین حقابه ایران به میزان ۲۲ متر مکعب بر ثانیه در سال نرمال و پرابی و ۴ متر مکعب بر اساس روابط دوستانه و نماد حسن نیت افغانستان است که همچنان در روابط ایران و افغانستان معتبر است.

این معاهده به دلیل تحولات سیاسی هر کدام از کشورها و بحران روابط آنها تا چند سال اجرا نشد و طالبان با بستن دریاچه‌های سد کجکی و ارغنداب از جاری شدن آب به سمت ایران خودداری کرد که سبب خشکیدن دریاچه هامون شد.

امروزه این معاهده همچنان معتبر و مورد استناد دو کشور و منبع اصلی تنظیم روابط ایران و افغانستان در موضوع هیرمند است و طبق آن سهم آب ایران از رودخانه هیرمند ۲۶ متر مکعب در ثانیه است که به هیچ‌وجه نیازهای آبی سیستان را تأمین نمی‌کند. این معاهده مشتمل بر یک مقدمه و ۱۲ ماده و دو پروتکل ضمیمه (پروتکل اول مشتمل بر ۱۳ ماده درباره حدود وظایف و صلاحیت کمیساران و پروتکل دوم مشتمل بر ۹ ماده درباره حکمیت بین ایران و افغانستان) در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۱ برابر سیزدهم مارس ۱۹۷۳ در کابل به امضا رسیده است.

مطابق ماده ۲ این معاهده، حقابه ایران در سال‌های نرمال یا فوق نرمال، یعنی سالی که حجم آبگذر هیرمند در ایستگاه دهرآوود، برابر یا بیشتر از ۵/۶۶ میلیارد مترمکعب در سال باشد، ۲۲ مترمکعب آب بر ثانیه تعیین شده و افغانستان تعهد کرده ۴ متر مکعب بر ثانیه، آب به صورت مازاد نیز به نشانه مودت و دوستی به ایران تحویل دهد که مجموع این میزان، سالیانه برابر با ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب خواهد شد. البته مقدار آب تحویلی به ایران در ماه‌های مختلف سال، ثابت نیست و بر اساس جدول مقرر شده در ماده ۳ تنظیم می‌شود. با تضمین تنها ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال که اغلب برای آبیاری در ایران استفاده می‌شود، این معاهده حفاظت چندانی برای حفظ تمامیت اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی تالاب‌ها ارائه نمی‌دهد (Vincent et al., 2016: 44). از این رو مقدار آب تخصیص داده شده برای ایران یعنی ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال برای ایران بسیار کم است و کفاف آب اهالی منطقه را نمی‌دهد و حقابه تالاب نیز باید از این مقدار تأمین شود.

ماده ۴ در خصوص سال‌هایی است که جریان آب از سال نرمال کمتر باشد که مقرر شده است در سال‌هایی که در اثر حوادث اقلیمی مقدار جریان آب از سال نرمال آب کمتر باشد، مقادیر تحویلی با توجه به ماه‌های مشابه در سال نرمال تعدیل می‌یابد.

شایان ذکر است که در ماده ۴ علت کاهش آب در سال‌های غیرنرمال، تغییرات اقلیمی و خشکسالی است و نه اقدامات غیراصولی افغانستان در انحراف آب و سدسازی‌های متعدد، از این رو کاهش میزان حقابه ایران به کمتر از مقدار مندرج در عهدنامه نمی‌تواند ناشی از تغییر اقلیم باشد، بلکه اقدامات دولت افغانستان تهدیدی در جهت تغییر اقلیم سیستان شده است.

قسمت اول ماده ۵ در خصوص تعهد افغانستان مبنی بر عدم محرومیت ایران از سهم آب مندرج در عهدنامه است، مطابق این بخش ماده ۵ افغانستان متعهد شده مرتکب اقدامی نشود که ایران را به‌طور جزئی یا کلی از حقایق هیرمند محروم سازد، ولی در عمل خلاف این تعهد عمل کرده است. قسمت دوم ماده ۵ در خصوص مازاد آب در سال‌های نرمال و فوق نرمال است که ایران را از مازاد آب هیرمند محروم کرده است. در نتیجه با توجه به این بخش از ماده ۵ ایران پذیرفته هیچ ادعایی بر رود هیرمند بیش از مقدار مقرر شده نداشته باشد. شایان ذکر است که این معاهده توجهی به حقایق زیست تالاب‌های بین‌المللی مشترک بین ایران و افغانستان نداشته و سهم حقایق‌های هامون نیز از سهم ایران در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد این قاعده خلاف عدالت و انصاف است و باید علاوه بر حقایق ایران، حقایق زیست تالاب نیز تعیین تکلیف شده و بعد در خصوص مازاد آب اتخاذ تصمیم شود.

ماده ۶ این معاهده در خصوص اقدامات افغانستان و تأثیر آن بر کیفیت آب رودخانه است، به موجب این ماده افغانستان از هر اقدامی که موجب نامساعد شدن آب زراعت ایران باشد، منع شده است که همان سدسازی و احداث کانال‌های متعدد است.

شواهد حاکی از آن است، اقدامات توسعه‌ای افغانستان در احداث فزاینده سدها و نیز افزایش مصرف آب بر اثر کشت محصولات پرآبی مانند گندم و خشکاش، آثار منفی بر میزان حقایق ایران داشته است. حتی در فرض صحت ادعای افغانستان مبنی بر وقوع خشکسالی طبیعی، با توجه به مقرر شدن ترتیبات معین در متن معاهده ۱۳۵۱، طرفین باید بر اساس قواعد معاهده عمل کنند.

۴. الزامات حقوق بین‌الملل حاکم بر احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان

نظام حقوقی بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی دربردارنده اصول و قواعدی در زمینه بهره‌برداری از آبراه‌هاست که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: اصل استفاده منصفانه و معقول و اصل عدم ایراد خسارت برای سایر کشورها. استفاده منصفانه از آبراه‌ها، بر توازن بین حقوق حاکمه دولت بر آب‌های سرزمینی خود و منافع کشور پایین‌دست در بهره‌گیری از این آب‌ها مبتنی است. به موجب اصل عدم ایراد خسارت، دولت‌ها باید به‌گونه‌ای در محدوده صلاحیت خود فعالیت کنند که آسیبی به سرزمین دیگر دولت‌ها وارد نکنند. این اصول در بسیاری از اسناد بین‌المللی و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید و تأیید قرار گرفته‌اند. از جمله اسناد مرتبط با آب و بهره‌برداری از آبراه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

قواعد هلسینکی مصوب ۱۹۶۶^۱، کنوانسیون استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی مصوب

1. CONVENTION ON THE PROTECTION OF THE MARINE ENVIRONMENT OF THE BALTIC SEA AREA, 1992 (HELSINKI CONVENTION)

۱۹۹۷، کنوانسیون آب اروپا مصوب ۱۹۹۲^۲ تحت عنوان بهره‌برداری و حفاظت از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، قواعد برلین مصوب ۲۰۰۴^۳ و دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با آبراه‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲^۴، کار بیست‌ویک^۵ مصوب ۱۹۹۲، اعلامیه مونته‌ویدئو مصوب ۱۹۹۳^۶، قطعنامه مربوط به اصول حقوقی حاکم بر مصرف آب‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی ۱۹۵۷^۷، طرح کنوانسیون مربوط به مصرف صنعتی و کشاورزی رودخانه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی مصوب ۱۹۶۵^۸، کنفرانس نقش آب در همگرایی و توسعه کشورهای خاورمیانه مصوب ۱۹۹۴ و

رودخانه هیرمند نیز مشترک بین چند کشور بوده و آبراهی بین‌المللی است. علاوه بر معاهده ۱۳۵۱ در زمینه هیرمند، از رژیم حقوقی آبراه‌های بین‌المللی نیز تبعیت می‌کند و اصول و قواعد مندرج در اسناد مذکور بر آن حاکم خواهد بود. در مجموع می‌توان گفت که دولت افغانستان باید الزامات حقوق بین‌الملل را در احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان رعایت کند، در ادامه به برخی از این الزامات پرداخته شده است.

۱.۴. تعهد افغانستان بر بهره‌برداری معقول و منصفانه در حوزه سدسازی

اصل استفاده منصفانه و معقول به این معناست که هیچ دولتی نمی‌تواند در خصوص منابع آبی فرامرزی درون حاکمیت خود آن گونه که دوست دارد، برخورد یا از آنها استفاده کند و دولت‌ها باید رفتاری معقول و منصفانه در خصوص این آبراه‌ها داشته باشند (شفیعی بافتی و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸۲). بنابراین محروم ساختن دولت‌های اطراف یک آبراه بین‌المللی به بهره‌مندی از سهم منصفانه و معقول از آبی که نیازهای آبی شهروندان آن کشور را تأمین می‌کند، از جمله به‌وسیله احداث سد، می‌تواند یکی از مصادیق نقض این اصل باشد.

این اصل یک اصل حقوقی برای استفاده از منابع آبی رودهای بین‌المللی است که در اسناد بین‌المللی بسیاری از جمله ماده ۳ اعلامیه سالزبورگ، ماده ۴ کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از دریاچه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی مصوب ۱۹۶۶ (قواعد هلسینکی)، ماده ۱۲ (شفیعی بافتی و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸۴)، قواعد منابع آبی بین‌المللی مصوب ۲۰۰۴ (قواعد برلین) و کنوانسیون حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی مصوب ۱۹۹۷ و از دولت‌ها می‌خواهند که بهره‌برداری، مدیریت آبراه‌ها را به‌صورت منصفانه و معقولانه باشد و توجه داشته باشند که در استفاده از آبراه‌ها به دیگر دول حوضه رود آسیب وارد نیاید.

1. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997
2. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, 1996
3. BERLIN RULES ON WATER RESOURCES, 2004
4. united nations conference on the man and environment (stockholm declaration), 1972
5. Agenda 21, 1992
6. Montevideo convention on the Duties of states, 1993
7. Resolution on Principles of Law Governing the Uses of International Rivers and Lakes', 1957
8. Draft Convention on the Industrial and. Agricultural Use of International Rivers and Lakes, 1965

مهم‌ترین سند در این زمینه کنوانسیون ۱۹۹۷ است که با حمایت اکثریت دول عضو سازمان ملل متحد تصویب و به‌گونه‌ای حقوق بین‌الملل عرفی را تدوین کرد، بدین‌وسیله استانداردهایی را برای استفاده از رودخانه‌های بین‌المللی را ترسیم کرده است.

تعیین منصفانه و معقول بودن بهره‌برداری از یک آبراه بین‌المللی، مستلزم در نظر داشتن مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و...، آن حوضه آبریز است.

براساس این اصل در بهره‌برداری از منابع آب منافع همه کشورهای همجوار مورد توجه قرار می‌گیرد، محورهای کلی تعیین بهره‌برداری منصفانه از منابع آب در مواد ۴ و ۵ قواعد هلسینکی منعکس شده است (محمّدی دینانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷۷). از این‌رو هر دولت ساحلی در داخل سرزمین خود نسبت به سهم معقولانه و منصفانه در استفاده از آب‌های رودهای بین‌المللی حق دارد و از طریق استفاده از سهم معقولانه و منصفانه مشخص و معین می‌شود و درجه و میزانی که تا آن حد نیازهای دولت ساحلی را برطرف کند، بدون آنکه آسیب زیادی به دیگر دول ساحلی وارد آورد.

اصل استفاده منصفانه و معقول همچنین در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در قضیه گابچیکو-ناگیماروش (ICJ. Rep, 1997: 56)، اختلاف بین مجارستان و چکسلواکی در خصوص اجرای تعهدات ناشی از قراردادی است که در سال ۱۹۷۷ میان مجارستان و چکسلواکی منعقد شده است. موضوع قرارداد در زمینه احداث مجموعه‌ای از سازه‌های آبی بر رودخانه دانوب بود که طرفین آن را ساختند و برای تولید برق آبی، ارتقای ناوبری و حفاظت در برابر سیل طراحی شده بود. مجارستان عملیات سدسازی را به دلیل خطرهای زیست‌محیطی که شامل جریان آب، آسیب به کیفیت آب و از بین رفتن جانداران و گیاهان متوقف ساخت. در پی این اقدام چکسلواکی در قلمرو خود شروع به منحرف ساختن یکجانبه مسیر رود دانوب در بالادست کرد. این اختلافات منشأ طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری شد. دیوان در این قضیه در زمینه حفاظت از محیط زیست این‌گونه موضع‌گیری کرد که در زمینه حفاظت از محیط زیست، مراقبت و پیشگیری لازم و مناسب، بسیار لازم و حیاتی است و اغلب خسارتهایی که در این زمینه به محیط زیست وارد می‌شود، ماهیتی برگشت‌ناپذیر و جبران‌نشده دارد. دیوان همکاری دولت‌های مربوطه را تنها طریق حل مشکلات به‌وجود آمده می‌داند و اعلام می‌دارد که اگرچه قصور دولت مجارستان در اجرای توافق فی‌مابین احراز شد، ولی نمی‌توان از سهم منصفانه و معقولانه مجارستان از رودخانه مشترک چشم‌پوشی کرد. دیوان در نهایت نظر داد که دولت اسلواکی به دلیل در اختیار گرفتن کنترل منابع مشترک و تغییر مسیر طبیعی رود و محروم کردن دولت مجارستان از حق منصفانه و معقولانه از رودخانه، اصل تناسب در حقوق بین‌الملل را نقض کرده است (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). همچنین در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ (ICJ. Rep2010: 1)، اختلاف میان آرژانتین و اروگوئه در خصوص پروژه احداث دو کارخانه خمیر کاغذ در نزدیکی رودخانه

اروگوئه است. دولت اروگوئه به شرکتی اجازه احداث کارخانه خمیر کاغذ در کنار رودخانه را داد. رودخانه‌ای که حدود ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با دولت آرژانتین دارد و رژیم حقوقی آن به موجب قرارداد ۱۹۷۵ بین دو دولت تنظیم شده است. نگرانی‌های زیست‌محیطی آرژانتین از ساخت کارخانه خمیر کاغذسازی در حاشیه رود به بروز مناقشاتی میان این دو دولت منجر شد که در نهایت در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کردند. دیوان در رأی خود اعلام کرد که استفاده از رودخانه باید به‌نحوی باشد که توسعه پایدار در محور آن قرار گیرد و محافظت از محیط زیست رود و حقوق توسعه اقتصادی دولت‌ها لحاظ شود. همچنین اعلام کرد استفاده منصفانه و معقولانه نخواهد بود. دیوان در این قضیه به‌طور ضمنی تأیید کرد که بهره‌برداری معقول از یک رودخانه فقط در چارچوب همکاری و توسعه پایدار امکان‌پذیر است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۷). دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه برداشت آب از رودخانه میوز^۱ (P.C.I.J. Rep1937)، اختلاف میان هلند و بلژیک در خصوص تفسیر و اجرای معاهده بین بلژیک و هلند در خصوص رژیم برداشت آب از رودخانه موز برای تأمین آب کانال‌های کشتیرانی و آبیاری اظهارنظر کرد. موز رودخانه‌ای بین‌المللی است که سرچشمه آن در فرانسه است و مرز بین دو کشور بلژیک و هلند را تشکیل می‌دهد. خواهان می‌خواست ثابت کند که برخی عملیات عمرانی بلژیک روی رودخانه از جمله آنچه روی کانال البرت و در ماستریخت و بورگان انجام گرفته، نقض معاهده مورد بحث محسوب می‌شود. در نتیجه دیوان خطایی که قابل انتساب به دولت بلژیک باشد، اعلام نکرد و در تفسیر خود خواستار رویکردی کلی و معقول از سوی دو دولت بود.

این اصل بر اثر تکرار در رویه داور و قضایی بین‌المللی و اسناد بین‌المللی به تعهدی عرفی تبدیل شده و کنوانسیون ۱۹۹۷ نیز این قاعده عرفی را با هدف اطمینان یافتن از نوع بهره‌برداری، توسعه، حفاظت، مدیریت و نگهداری از آبراه‌های بین‌المللی و تشویق بهره‌برداری پایدار و بهینه در جهت نگهداری از منابع آبی برای نسل‌های حاضر و آینده تدوین کرده است (شفیعی بافتی و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸۵). با توجه به تعهد عرفی استفاده منصفانه و معقولانه در حوزه سدسازی، دولت‌های آبراهی می‌توانند تأسیساتی را روی آبراه مشترک بنا کنند، مشروط بر اینکه منافع مشترک سایر کشورهای آبراهی را رعایت کنند؛ زیرا استفاده از یک آبراه تا زمانی که به سایر کشورهای آبراهی زیان وارد نکند، معقول و منصفانه است. در نتیجه می‌توان گفت دولت‌های ایران و افغانستان در بهره‌برداری از آبراه مشترک هر کدام حقوقی دارند و بی‌تردید این حقوق، آزادی عمل هریک از آنها را محدود می‌کند. استفاده‌ای، منصفانه و معقول تلقی می‌شود که منافع طرف دیگر در خصوص منافع مشترک را در برگیرد.

در همین زمینه در ارزیابی میزان قانونی بودن اقدام افغانستان در احداث سد کمال‌خان بر روی هیرمند، لازم است ضمن ارزیابی همه شرایط، سهم منصفانه و معقول دولت‌های ایران و افغانستان از منابع آب هیرمند برای بهره‌برداری مشخص شود، در هر صورت، به دلیل وابستگی منابع آب شرب منطقه سیستم به رود هیرمند، افغانستان نمی‌تواند به گونه‌ای اقدام کند که اساساً مانع از جریان آب این رود به سمت پایین‌دست شود.

۲.۴. تعهد افغانستان به استفاده غیرزیانبار از رودخانه مشترک

اصل استفاده غیرزیانبار از اصل حاکمیت سرزمینی محدود دولت‌ها نشأت می‌گیرد که طبق آن همه کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی از حق برابر برای بهره‌برداری از آب‌های این حوضه برخوردارند، اما باید به حقوق حاکمیتی سایر کشورها و استفاده برابر آنها احترام بگذارند (شفیعی بافتی و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸۳). اصل استفاده غیرزیانبار روی دیگر اصل استفاده منصفانه و معقول است. اصل استفاده منصفانه و معقول به معنی تسهیم منابع آبی مشترک به طریقی است که حداکثر رضایت‌مندی میان بهره‌وران آبی ایجاد شود و در عین حال ضررها و آسیب‌های وارد به دولت‌های اطراف به حداقل برسد. به عبارتی کشورهای اطراف منابع آبی فرامرزی، نباید به گونه‌ای از یک منبع آبی بین‌المللی بهره‌برداری کنند که به استفاده‌های سایرین، آسیب مهم و چشمگیری وارد آید.

این اصل به طور گسترده در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و در چندین سند بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اصل ۲۱ بیانیه استکهلم، اصل ۲ اعلامیه ریو، ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ و بسیاری دیگر از اسناد بین‌المللی منعکس شده است.

ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ از کشورهای حوضه آبراه می‌خواهد که تمام اقدامات مناسب را برای جلوگیری از صدمه شایان توجه به دیگر کشورهای حوضه در بهره‌برداری از آبراه بین‌المللی در سرزمین‌های خود انجام دهند. به طور کلی، این اصل دامنه حقوق حاکمیت دولت‌ها را محدود می‌کند. از این رو یک کشور برای بهره‌برداری از منابع خود محدود است که این اطمینان را بدهد که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل وی سبب آسیب به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آن نمی‌شود. این اصل همچنین نشان می‌دهد که دولتی که در آن فعالیت برنامه‌ریزی شده است، باید تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از ایجاد آسیب فرامرزی شایان توجه خارج از حوضه صلاحیتی خود، انجام دهد (Nagheeb et al., 2019: 265). از این رو این اصل حاکمیت مطلق دولت افغانستان را در بهره‌برداری از رودخانه هیرمند محدود کرده و این دولت متعهد به تعهد عرفی منع ورود آسیب جدی به محیط زیست حوضه هیرمند است.

دولت‌های حوضه رودخانه هیرمند واقف به وجود تعهد عرفی منع ورود آسیب مهم به سایر دولت‌ها هستند و آن را در معاهده فی‌مابین خود در زمینه رودخانه هیرمند مصوب ۱۳۵۱ درج کرده‌اند. در ماده ۵ این معاهده مقرر شده است که افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقایق آن از آب رود هیرمند بعضاً یا کلاً محروم سازد و در ماده ۶ نیز مقرر شده است که افغانستان اقدامی نخواهد کرد که حقایق ایران برای زراعت به‌طور کلی نامناسب شود. همان‌گونه که ملاحظه شد معاهده مزبور بر تعهد به استفاده غیرزیانبار و منع ایراد آسیب جدی به رودخانه و محیط زیست تأکید کرده است.

رودخانه هیرمند شریان اصلی آب ورودی به هامون است و به‌جرات می‌توان گفت حیات در سیستان ایران به پرآبی هامون وابسته است. بهره‌برداری بی‌رویه افغانستان و احداث تأسیسات آبی، استفاده زیانباری است که باعث ایراد آسیب جدی به سیستان و هامون شده است؛ (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۰). از این‌رو ضروری است دولت‌های حوضه هیرمند با رعایت تعهدات بین‌المللی در زمینه تأسیسات آبی از بروز آسیب جدی زیست‌محیطی به قلمرو یکدیگر اجتناب کنند.

۳.۴. تعهد افغانستان به عدم انحراف رودهای مشترک

انحراف آب ساده‌ترین راه برای ممانعت از بهره‌برداری دول پایین‌دست و اقدامی بر خلاف استفاده عادلانه و منصفانه از رودخانه‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. امروزه اصول و مقررات حقوق بین‌الملل وجود چنین حقی را که کشوری بتواند وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان کشور دیگر تغییر دهد، نفی می‌کند.

به موجب اصول حقوق بین‌الملل هیچ کشوری نباید جریان طبیعی آب رودخانه‌ای را که بر حسب طبیعت از سرزمین او به سرزمین کشور دیگر جاری است، متوقف یا منحرف سازد و نباید به‌نحوی که موجب اضرار کشور همجوار شود، از آن استفاده کند یا او را از استفاده معمول از آن رودخانه در سرزمین خود بازدارد. دولت‌ها نیز در موارد مختلف با قراردادهایی که بین خود منعقد کرده‌اند، اصول مذکور را در عمل پذیرفته‌اند.

رویه قضایی بین‌المللی، بر دو اصل اساسی زیر در خصوص تغییر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی تأکید کرده است: اول اینکه هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولت‌های دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه‌حل‌های معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها کند؛ دوم اینکه هر دولتی که به‌نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولتی شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود.

انحراف مسیر رودها در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز مطرح شده است. پس از اینکه اسرائیل مسیر آب‌های رود اردن را به‌سوی صحرای نگونه تغییر داد، سوریه به شورای امنیت شکایت کرد. شورا در تصمیم مورخ ۱۹۵۳ خود هرچند به‌صراحت به تغییر مسیر آب‌های رود اردن اشاره‌ای نکرده، اما اقدامات اسرائیل را در ساحل غربی رود اردن را محکوم کرده است.

به‌طور کلی، بر اساس مقررات و اصول حقوق بین‌الملل، انحراف جریان آب رودخانه‌ها توسط دولت بالادست رودخانه به زیان دولت پایین‌دست رودخانه ممنوع است و هیچ دولتی اجازه ندارد شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد (حق‌شناس و جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۲۵۷). با وجود تأکید اصل محدودیت استفاده آزاد از آب‌ها که دولت‌های بالادستی نباید عملی را انجام دهند که کشور پایین‌دستی از آن عمل متضرر شود، اصل عدم خسارت به دیگری به‌نحوی در حقوق بین‌الملل مورد قبول قانونگذار قرار گرفته که فراهم کردن مقدمات و ایجاد زیرساخت‌ها به‌منظور اجرای عمل در چارچوب اصل حاکمیت سرزمینی مطلق هم، تقبیح و محکوم شده است.

کمیسیون حکمیت مک ماهون که در سال ۱۸۹۶ به‌دلیل طغیان رودخانه هیرمند و در پی شروع اختلافات مرزی در سال ۱۹۰۳، تشکیل شد، این کمیسیون در خصوص ایجاد سد و یا حفر کانال جدید روی رودخانه هیرمند، ابراز می‌دارد هیچ‌یک از طرفین نباید اقدام به احداث بنا یا نه‌ری کنند که از آن مداخله به مقدار آبی که برای مشروب کردن زراعت هر دو کشور از بین رود، اما هر دو طرف حق دارند در خاک خودشان انهار موجود را دایر نگه‌دارند و انهار قدیمی و متروکه را جاری کنند و نیز از رود هیرمند انهار جدید احداث کنند، مشروط بر اینکه مقدار آبی که برای مشروب کردن زراعت هر دو طرف لازم باشد، کم نشود (موسی‌زاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۶). اگرچه دولت ایران به چند دلیل رأی حکمیت مک ماهون را نپذیرفت، اما بند اخیر از حکمیت وی، نشان از مذموم بودن انحراف و ذخیره آب نزد عرف بین‌المللی و نیز تکرار مکرر انحراف و ذخیره‌سازی آب از سوی دولت افغانستان دارد.

۴.۴. تعهد افغانستان به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی

هدف اصلی حقوق بین‌الملل محیط زیست، جلوگیری از ورود ضرر به محیط زیست است، چراکه اغلب ضررها جبران‌ناپذیرند و در روش‌های جبران این‌گونه صدمات، محدودیت‌های ذاتی وجود دارد. در راستای نیل به این هدف، اصول و قواعد زیست‌محیطی متعددی شکل گرفته است که بسته به تکرار در رویه دولت‌ها و اسناد بین‌المللی، بار الزام متفاوتی ایجاد می‌کنند. از جمله این موارد، ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی برای فعالیت‌ها و پروژه‌های پیشنهادی کشورهاست که بر محیط زیست دولت‌های دیگر تأثیر دارد.

ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی^۱، فرایندی برای ارزیابی آثار محتمل یک فعالیت یا پروژه پیشنهادی بر محیط زیست است. بر اساس تعریف انجمن بین‌المللی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، این فرایند به تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و کاهش آثار زیست‌محیطی، اجتماعی و دیگر تأثیرات طرح‌های توسعه‌ای قبل از اتخاذ تصمیمات اصلی و ایجاد تعهدات می‌پردازد. در این خصوص، دولت‌ها باید اسناد قابل

1. Environmental impact assessment (EIA)

بررسی و انتشار ارائه کنند که تحلیل پروژه را به‌طور عینی نشان دهند و این اطمینان را ایجاد کنند که نهادهای ذی‌ربط و آن دولت با حسن‌نیت تبعات زیست‌محیطی آن پروژه و جایگزین‌های معقول آن را ملاحظه کرده‌اند (سالاری، ۱۳۹۹: ۱۳۳۳). ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی فرامرزی، این فرایند را برای فعالیت یا پروژه‌ای انجام می‌دهد که چند کشور را متأثر می‌سازد و همه آن کشورها در انجام ارزیابی مشارکت می‌کنند.

فرایندی برای ارزیابی آثار محتمل یک فعالیت یا پروژه پیشنهادی بر محیط زیست است. بر اساس تعریف انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، این فرایند به تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی، اجتماعی و دیگر تأثیرات طرح‌های توسعه‌ای پیش از اتخاذ تصمیمات اصلی و ایجاد تعهدات می‌پردازد. در این زمینه، دولت‌ها باید اسناد قابل بررسی و انتشار ارائه کنند که تحلیل پروژه را به‌طور عینی نشان دهد و این اطمینان را ایجاد کند که نهاد ذی‌ربط با حسن‌نیت تبعات زیست‌محیطی اقدام و جایگزین‌های معقول آن را ملاحظه کرده است (سالاری، ۱۳۹۹: ۱۳۳۳). ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی فرامرزی این فرایند را برای فعالیت یا پروژه‌ای انجام می‌دهد که چند کشور را متأثر می‌سازد و همه آن کشورها در انجام ارزیابی مشارکت می‌کنند.

ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی فرامرزی در حقوق بین‌الملل از افق اسناد غیرالزام‌آور سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اصول یونپ مصوب ۱۹۸۷ ظهور یافت. اسپو در سال ۱۹۹۱، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیشگیری از ضرر فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک ۲۰۰۱ به این تعهد اشاره دارد. این پیش‌نویس بر همه فعالیت‌هایی که تبعات فیزیکی‌شان ریسک ضرر فرامرزی دارد و از طریق حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند، اعمال می‌شود. ماده ۶ طرح مذکور اشعار داشته است که دولت برای هرگونه فعالیتی که در قلمرو خود انجام می‌دهد یا تحت صلاحیت یا کنترل اوست، ممکن است به مجوز قبلی نیاز داشته باشد که به آسیب‌های فرامرزی چشمگیری منجر می‌شود. علاوه بر این، ماده ۷ دولت را ملزم به ارزیابی آسیب‌های فرامرزی احتمالی ناشی از آن فعالیت از طریق ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی می‌کند (Nagheeb et al., 2019: 268). این پیش‌نویس بر همه فعالیت‌هایی که تبعات فیزیکی‌شان ریسک ضرر فرامرزی دارد و از طریق حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند، اعمال می‌شود.

همچنین در کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتری از آبراه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) الزاماتی مانند حمایت و حفاظت از اکوسیستم حوضه آبریز، پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی، کنترل مدیریت ورود گونه‌های مهاجم و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی در این بخش از کنوانسیون مطرح شده است که ناظر بر تعهدات زیست‌محیطی کشورها در یک حوضه آبریز است.

مطالعه و بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تعهد به ارزیابی تأثیرات

زیست‌محیطی نشان می‌دهد که تا پیش از قضیهٔ خمیر کاغذ، به‌صراحت از تعهد به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی سخنی به میان نیامده است. تعهد مزبور در دیوان داوری در قضیهٔ دریاچهٔ لانوکس میان اسپانیا و فرانسه برای نخستین بار به‌منظور شناسایی پیامدها و پیشگیری از خسارات زیست‌محیطی مطرح شد، اما دیوان به تأکید و شرح و بسط و قاعده‌سازی آن نپرداخت.

در مواضع محاکم بین‌المللی مشاهده می‌شود که دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و دیوان دائمی داوری به‌صراحت ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی را تعهد عرفی و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آن را تعهدی ذیل حقوق بین‌الملل عام قلمداد می‌کند.

در رأی کارخانه خمیر کاغذ (ICJ.Rep, 2010: 302)، دیوان در این رأی اعلام کرد که ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی یک قاعدهٔ الزام‌آور حقوق بین‌الملل شده است و زمانی اعمال می‌شود که احتمال آثار شدیدی برود، یا اینکه این آثار زیست‌محیطی فرامرزی و مربوط به منابع مشترک باشد. دیوان افزود تعیین قوانین داخلی، فرایند اعطای مجوز به هر پروژه، محتوای خاص ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی برای هر پروژه با توجه به بزرگی فعالیت توسعه‌ای مطروحه و آثار محتمل آن بر محیط زیست و نیاز به اعمال مراقبت مقتضی در انجام چنین ارزیابی‌ای به عهدهٔ دولت مربوط است. دیوان در رأی سان خوان (ICJ.Rep, 2015: 163) نیز مجدداً نکاتی را در خصوص ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی متذکر شد.

دیوان در سال ۲۰۱۵ حکم داد که کاستاریکا با احداث جاده در امتداد رود سان خوان بدون ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، تعهد خود ذیل حقوق بین‌الملل عرفی را نقض کرده است. دیوان ضمن تأیید رویهٔ خود در قضیهٔ خمیر کاغذ اظهار کرد که تعهد به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، تعهدی ذیل حقوق بین‌الملل عام است (سالاری، ۱۳۹۹: ۱۳۴۰). برخی قضات دیوان در نظرهای جداگانهٔ خود اشاره کردند که ارزیابی آثار زیست‌محیطی یک قاعدهٔ کلی حقوق بین‌الملل عرفی است (Harrison, 2016: 540). در قضیهٔ اخیر دولت‌های آرژانتین و کاستاریکا در خصوص اقدامات یکدیگر که به نقض تعهدات شکلی و ماهوی معاهداتی و عرفی می‌انجامید، معترض بودند. تعهدات شکلی مشتمل بر ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت بود. تعهد ماهوی نیز به منع ورود ضررهای فرامرزی ارتباط می‌یافت.

بیان دیوان در رأی مزبور محدود به فعالیت‌ها و پروژه‌های صنعتی نیست و هر فعالیت و پروژه‌ای را که ظرفیت ایراد صدمهٔ فرامرزی دارد، در برمی‌گیرد. محتوای ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی به شرایط هر قضیه بستگی دارد و دولت‌ها باید تعهداتشان را با مراقبت مقتضی انجام دهند. چپستی محتوای ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی تنها به مقررات داخلی وابسته نیست و باید با معیارهای بین‌المللی نیز سنجیده شود.

شایسته ذکر است که بر اساس رأی داوری در قضیه تریل اسملتر، منع آسیب زیست‌محیطی فرامرزی یکی از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محیط زیست را تشکیل می‌دهد و تعهد به تلاش مقتضی، پیشگیری، احتیاط و همکاری و نیز تعهداتی چون ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرامرزی، لزوم اطلاع‌رسانی خطرهای زیست‌محیطی و انجام مشورت، از آن قاعده عرفی ناشی می‌شوند.

اگرچه در معاهده هیرمند نیاز زیست‌محیطی هامون‌ها و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی مسکوت مانده است، اما برخی قواعد حقوقی، متضمن لزوم اجرای این تعهد برای کشور افغانستان است. برای مثال یکی از معیارها در تعیین منصفانه و معقول بودن استفاده از آبراه‌ها، ارزیابی شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی حوضه آبریز و لزوم توجه به آثار انواع استفاده‌ها بر شرایط زیستی آبراه است، زیرا اگر استفاده یک دولت از آبراهی بین‌المللی به گونه‌ای باشد که اکوسیستم رودخانه در معرض آسیب قرار گیرد، بی‌شک آن نوع استفاده، معقول پنداشته نمی‌شود.

تعهد حقوقی به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی و اختصاص جریان‌های زیست‌محیطی برای تالاب‌های هامون را می‌توان از سایر تعهدات معاهداتی زیست‌محیطی میان کشورهای ایران و افغانستان نیز استنباط کرد. امروزه نتایج پژوهش‌های علمی ثابت کرده که ساخت سدها و تغییرات زیستی دریاچه پشت سد بر کیفیت آب رهاشده از سد اثرگذار است و با کم‌اکسیژنه کردن آب به تنوع زیستی مناطق پایین‌دست آسیب می‌زند، در خصوص هامون، مسدود ساختن حجم زیادی از هیرمند در پشت سد کمال‌خان، عدم جریان آب در مناطق پایین‌دست و در نتیجه خشک شدن تالاب‌های هامون، آسیبی مضاعف بر تنوع زیستی آنها خواهد داشت. از این رو مقرر ساختن حداقل جریان زیست‌محیطی برای حفظ تالاب‌های هامون ضرورت دارد و دولت افغانستان متعهد به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی سیستان و هامون بوده است.

شایان ذکر است که مقررات زیست‌محیطی بر لزوم جبران خسارات زیست‌محیطی تأکید کرده‌اند. از جمله دستور کار ۲۱، که دولت‌ها و قانونگذاران را در جهت ایجاد رویه‌های قضایی و اداری برای دادخواهی جبران خسارت قانونی و خسارات ناشی از اعمال تأثیرگذار بر محیط زیست که ممکن است غیرقانونی یا تجاوز به حقوق قانونی باشد، خطاب قرار می‌دهد و امکان دسترسی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را فراهم می‌کند. کنوانسیون‌های اسپو، هلسینکی، کنوانسیون بهره‌برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های ۱۹۹۷ و سایر اسناد نیز بر لزوم جبران خسارت تأکید کرده‌اند (جعفری و صمدی، ۱۳۹۸: ۶۱۹). امروزه التزام به جبران خسارات زیست‌محیطی بر اساس قاعده عام مسئولیت بین‌المللی، به‌عنوان اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست شناسایی شده است.

با توجه به موارد گفته‌شده دولت افغانستان با احداث تأسیسات آبی بر رودخانه‌های هیرمند و هریرود،

خسارات زیست‌محیطی بسیاری بر منطقه سیستان وارد آورده و علاوه بر خشکی دریاچه هامون و تالاب‌های آن، خسارات فراوانی به مردم آن منطقه وارد آورده است.

۵. نتیجه

اقدامات افغانستان در احداث کانال‌ها و سدهای متعدد بر رودخانه هیرمند، بر حقابه کشور ایران از این رودخانه و محیط زیست منطقه، آثار چشمگیری بر جای گذاشته است. این اقدامات مغایر با اصول عام حقوق آبراه‌های بین‌المللی مانند اصل استفاده منصفانه و معقول و منع آسیب مهم فرامرزی است. بر اساس معاهده لازم‌الاجرای میان ایران و افغانستان در خصوص رود هیرمند مورخ ۱۳۵۱ نیز افغانستان از ارتکاب هر اقدامی که در حقابه مقرر شده ایران به صورت جزئی یا کلی خللی ایجاد کند، منع شده است. بر این اساس، افغانستان باید در اقدامات توسعه‌ای خود به رعایت این قواعد پایبند باشد؛ در غیر این صورت، مسئولیت بین‌المللی این کشور قابل احراز است. در صورت عدم پایبندی افغانستان به تعهدات مذکور، راهکار حقوقی، توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز رفع اختلافات بین‌المللی مندرج در معاهده لازم‌الاجرا میان طرفین است. افزون بر این، تلاش برای کاربست دیپلماسی فعالانه آبی مبتنی بر همکاری و همبستگی، به منظور رفع رقابت‌های آبی میان دو کشور در راستای حفظ امنیت آبی حوضه هیرمند ضرورت دارد.

از آنجا که حیات تالاب‌های هامون به عنوان مهم‌ترین عناصر زیست‌محیطی حوضه هیرمند به جریان این رود وابسته است، اجرای طرح‌های توسعه‌ای مانند احداث سد کمال‌خان در مناطق بالادست این حوضه آبریز، آثار سوء گسترده‌ای بر پایداری این تالاب‌ها نیز داشته است. اگرچه قواعد موجود حقوق بین‌الملل محیط زیست متضمن تعهداتی بر لزوم اختصاص حقابه زیست‌محیطی به تالاب‌های هامون هستند، اما اهمیت هامون‌ها برای تعدیل شرایط اقلیمی منطقه و آثار منفی مرگ آنها برای هر دو کشور ایران و افغانستان و نیز نسل‌های آینده، ایجاب می‌کند که دو کشور به وضع قواعدی لازم‌الاجرا برای تعیین حقابه‌های زیست‌محیطی برای آنها اقدام کنند. از این رو بهره‌برداری غلط و خلاف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله بهره‌برداری ناپایدار از آبراه‌های بین‌المللی علاوه بر تخریب محیط زیست سیستان موجب تهدید و برهم زدن صلح و امنیت داخلی و منطقه‌ای شده است. مدیریت پایدار در جهت توسعه و صلح پایدار می‌تواند مانع از ایجاد بحران و کم‌آبی شود.

همان‌گونه که اشاره شد، دولت افغانستان طبق نظریه حاکمیت محدود و مدیریت مشترک منابع، متعهد شده است که طبق مقررات بین‌المللی و توافق دوجانبه میان ایران و افغانستان، حجم آب را به سمت پایین هدایت کند و هرگونه تعهداتی از سوی افغانستان در این زمینه مسئولیت بین‌المللی را متوجه

آن خواهد کرد. همچنین اگر هرگونه اقدام مغایر با توافقات فی‌مابین به ضرر و زیان این کشور منجر شود، باید به‌صورت مکتوب پس از برآورد و ارزیابی در سطح بین‌المللی به اطلاع کشور افغانستان برسد؛ بنابراین دولت ایران می‌تواند سهم توافق‌شده برابر جدول زمان‌بندی اشاره‌شده در معاهده ۱۳۵۱ در خصوص رود هیرمند را از دولت افغانستان مطالبه کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. محمدعلی پور. فریده (۱۳۹۶). حقوق استفاده غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی. تهران: میزان.

ب) مقالات

۲. اکبری، نرگس؛ مشهدی، علی و کاظمی فروشانی، حسین (۱۳۹۹). ابعاد حقوقی بهره‌برداری از هیرمند. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱ (۶۸)، ۲۹۱-۳۲۵.
۳. بدیعی ازندهی، مرجان؛ رحیمی هرآبادی، سعید و گودرزی مهر، سعید (۱۳۹۰). نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه‌های مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۸ (۱)، ۱۹۷-۲۲۰.
۴. پرورش‌ریزی، عاطفه؛ میان‌آبادی، حجت و قریسی، سیده زهرا (۱۴۰۰). تحلیل ماتریس همبست تعاملات آبی فرامرزی در حوضه آبریز هیرمند ایران و افغانستان. تحقیقات آب‌و خاک/ایران، ۵۲ (۱)، ۲۳۷-۳۰۰.
۵. جعفری، امین و صمدی، اصغر (۱۳۹۸). جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹ (۲)، ۶۱۳-۶۳۳.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز و علیزاده، جعفر (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۰ (۲)، ۸۳-۱۰۷.
۷. حق‌شناس، نیلوفر و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۹). طرح تغییر مسیر اروندرود و حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۲ (۱)، ۲۷۰-۲۷۰.
۸. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶). نگاهی به استفاده غیرزیانبار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست. نشریه علوم محیطی، ۴ (۴)، ۵۷-۷۴.
۹. زارعی، سحر؛ پوره‌اشمی، سیدعباس و پورنوری، منصور (۱۳۹۶). توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره پیاپی ۷۴، ۱۹ (۲)، ۱۹۵-۲۱۶.
۱۰. سالاری، اسما (۱۳۹۹). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۰ (۴)، ۱۳۳۱-۱۳۵۵.
۱۱. شفیع‌ی بافتی، نگین و سلیمانی، شیما (۱۴۰۰). ارتباط میان اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع

آسیب در حقوق بین‌الملل آبراهه‌ها با تأکید بر کنوانسیون ۱۹۹۷. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۱ (۴)، ۱۶۰۱-۱۵۷۹.

۱۲. عزیزی، ستار و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۵). پرونده گاجیکو- ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار. مجله حقوقی بین‌المللی، (۵۵)، ۱۰۹-۱۳۴.

۱۳. فرشاسعید، پرویز و خدارحمی، الهام (۱۳۹۵). بررسی چگونگی حل‌وفصل اختلاف ناشی از حقایق سیستان در رودخانه هیرمند بر اساس معاهده ۱۳۵۱. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، گرجستان.

۱۴. محمدی دینانی، منصور؛ مولایی، یوسف و بنی‌حبيب، محمدابراهیم (۱۳۹۷). اصول بهره‌برداری معقول از منابع آب در حقوق بین‌الملل و رویه مورد عمل در ایران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸ (۳)، ۵۶۹-۵۸۱.

۱۵. مرادی طادی، محمدرضا (۱۳۹۶). آب و سیاست؛ نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علم انسانی، ۹ (۴)، ۷۱-۹۰.

۱۶. مشهدی، علی و اکبری، نرگس (۱۳۹۹). تعهدات دولت‌های حوضچه هریرود در احداث تأسیسات آبی. مجله حقوقی بین‌المللی، (۶۳)، ۳۰۱-۳۴۳.

۱۷. موسی‌زاده، رضا و عباس‌زاده، مرتضی (۱۳۹۵). ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۹۳)، ۱۵۹-۱۸۴.

ج) پایان‌نامه

۱۸. عباسی، حسن (۱۳۹۴). تبیین مفهوم استفاده منصفانه و معقولانه از رودهای بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محسن عبدالهی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تاریخ دفاع تابستان ۱۳۹۴.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Vincent, T., Azizi, M, A., Khalid, B, (2016). *Afghanistan Research and Evaluation Unit Case Study Developing transboundary water resources: What perspectives for cooperation between Afghanistan, Iran and Pakistan?* ISBN: 978-9936-628-07-6 (ebook) Editing: Richard Dennis Cover photo: Vincent Thomas AREU Publication Code: 1607E, p42 کتاب ۱۶۰۷، ۴۲

B) Articles

2. Aman, F. (2016). Water Dispute Escalating between Iran and Afghanistan. *Atlantic Council, SOUTH ASIA CENTER*, 1-12.
3. Harrison, J, (2016). Significant International Environmental Law Cases: 2015-16. *Journal of Environmental Law*, 28(3), 533-550.
4. Khan Saif, S. (2021). Decades in making, Afghan mega dam opens on Iran border Kamal Khan Dam will transform economy of Afghanistan, says president, Anadolu

- Agency. <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/decades-in-making-afghan-mega-dam-opens-on-iran-border/2186632>.
5. Mollazehi, P. M. (2021). Kamal Khan Dam Opportunity or threat. <http://www.iess.ir/en/analysis/2599/>
 6. Nagheebby, M., Piri D., M, & Faure, M, (2019). The Legitimacy of Dam Development in International Watercourses: A Case Study of the Harirud River Basin. *Published online by Cambridge University Press*, 247–278.

C) Documents

7. Agenda 21, 1992
8. BERLIN RULES ON WATER RESOURCES, 2004
9. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997
10. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, 1996
11. CONVENTION ON THE PROTECTION OF THE MARINE ENVIRONMENT OF THE BALTIC SEA AREA, 1992 (HELSINKI CONVENTION)
12. ICJ. Reports (20 April 2010) Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)
13. ICJ. Reports (25 September 1997) Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)
14. Montevideo convention on the Duties of states, 1993
15. P.C.I.J. Reports (28 June 1937) The Diversion of Water from the Meuse (Netherlands v. Belgium)
16. united nations conference on the man and environment (stockholm declaration), 1972

References in Persian:**A) Books**

1. Mohammad Alipour, F. (2017). *The Law of Non Navigational Uses of International Watercourses*. Tehran: Mizan Legal Foundation ([In Persian](#)).

B) Articles

2. Akbari, N. , Mashhadi, A., kazemi, H. (2020). The Legal Aspects of Helmand River Utilization. *Public Law Research* , 68(21), 291-325. DOI: <https://doi.org/10.22054/qjpl.2019.37210.1987> ([In Persian](#)).
3. Azizi, S., Mousavi, S. M. (2016). Gabčíkovo-Nagymaros Project Case: The Role of the International Court of Justice in Highlighting the Concept of Sustainable Development. *Journal of International Law Review* , (55), 109-134, DOI: 10.22066/CILAMAG.2016.23526 ([In Persian](#)).
4. Badiee Azendahi, M. , Rahimi Herabadi, S., Godarzi Mehr, S. (2011). The Role of Morphological Changes Hirmand Border River in Political Relations of Iran and Afghanistan. *Journal of human geography research*, (78) 197-220 ([In Persian](#)).
5. Bafti, N. Shafiei, Soleimani, S (2021). Relationship between Reasonable and Equitable Principle and No-harm Principle in the International Watercourses Law based on the 1997 Convention. *Journal of Public law studies*, (51), 1579-1601, <https://doi.org/10.22059/jpls.2021.319646.2708> ([In Persian](#)).
6. Farsha Saeed, P., & Khodarahmi, A. (2016). Investigating how to resolve the dispute caused by Sistan's claim in the Hirmand River based on the 1351 treaty, International Conference on New Researches in Management, Economics and Human Sciences, [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/875626/fa> ([In Persian](#)).
7. Ghoreishi, S. z., Mianabadi, H., Parvaresh Rizi, A. (2021). The TWINS Framework for Illustrating Co-Existing Conflict and Cooperation in the Hirmand River Basin. *Iran J Soil Water Res.* , (52), 237-300. DOI: 10.22059/IJSWR.2020.305456.668661 ([In Persian](#)).
8. Hafeznia, M. R., Mojtahedzadeh, P., Alizadeh, J. (2006). Hirmand Hydropolitic and its Effect on the Political Relations of Iran and Afghanistan. *Journal of Lecturer of humanities. Geography special issue*, (10), 83-107. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/6794/fa> ([In Persian](#)).
9. Hghshenas, N., Jafari Valdani, A. (1991). The plan to change the Arvand River route and international law. *Journal of International Law Review*, (12), 255-277. DOI: 10.22066/CILAMAG.1990.18362 ([In Persian](#)).
10. Jafari, A., Ahmadi, A. (2019). Restitution Damages of the Environmental Crimes in International and Iranian Law System. *Journal of Public law studies*, (49), 613-633. DOI: 10.22011.1.24238120.1398.49.2.16.2 ([In Persian](#)).
11. Mashhadi, A., Akbari, N. (2020). The International Obligation of Harirud Riparian States in Marine Construction. *Journal of International Law Review* , (63), 301-343, DOI: 10.22066/CILAMAG.2020.96365.1600 ([In Persian](#)).
12. Mohammadi Dinani, M. , Molaei, Y. (2018). Banihabib, M. E., Principle of Reasonable Water Use in Iran and International Water Law. *Journal of Public law studies*, (48), 569-581, DOI: 10.22059/JPLSQ.2017.226524.1457 ([In Persian](#)).
13. Moradi Tadi, M. (2017). water and politics; A look at the politicization of water.

- Journal of interdisciplinary studies in humanities*, (9), pages 569 <https://doi.org/10.22631/isih.2017.1981.2512> (In Persian).
14. Mousazadeh, R., & Abbaszadeh, M. (2016). Legal aspects of the use of Hirmand border river by Iran and Afghanistan, *Jornal of Central Asia and The Caucasus Studies*, Volume 93, 159-184 (In Persian).
 15. Ramazani Qavamabadi, M. H. (2007). A look at the non-harmful use of land in international environmental law. *Journal of Environmental science*, (4), 57-74 (In Persian).
 16. Salari, A. (2020). Transboundary Environmental Impact Assessment in International Environmental Law. *Journal of Public law studies*, (50), 1331-1355, DOI: 20.1001.1.24238120.1399.50.4.3.0 (In Persian).
 17. Zarei, S., Poorhashemi, S.A., Pournouri, M. (2017). Development of international environmental law in the light of International judicial judgements and precedents. *Journal of Environmental Science and Technology (JEST)*, 19, (2), 195-216, DOI: 10.22034/JEST.2017.11078 (In Persian).

C) Thesis

18. Abbasi, H. (2015). *Explaining the concept of fair and reasonable use of international rivers*. Master's thesis in the field of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University (In Persian).